استقلال خپلواکی
www.esteqlaal.net

تهیه، ترتیب و ترجمه: داکتر فریده نوری دوشنبه ۰۲ نوامبر ۲۰۲۶

سی (۳۰) سال بعد از اولین تصرف کابل توسط طالبان

سی سال بعد از اولین تصرف کابل توسط طالبان، آن ها دوباره به قدرت در یک افغانستان ایکه به بحران عمیق فرورفته است باز گشتند

چرا قیودات، بخصوص علیه زنان تشدید شده است؟

و مداخلهٔ امریکایی ها چگونه به این وضعیت منجر گردید؟

نویسنده: Gilles Dorronsoro

استاد علوم سیاسی در پوهنتون پاریس

Panthéon Sorbonne

فقط سی سال قبل در ۲۷ دسامبر ۱۹۹۶، طالبان برای نخستین بار کابل و قسمت زیاد افغانستان را تصرف کردند، و یک رژیم سرکوبگر که تهداب آن بالای شریعت اسلامی گذاشته شده بود را مستقر ساختند.

پنج سال بعد در یک ائتلاف به رهبری امریکا، که مدت بیست سال در آن کشور ماندند و طالبان شکست خوردند، در سال ۲۰۲۱ طالبان دوباره کابل را تصرف می کردند.

تا اکنون کشور از نظر بین المللی منزوی و تحت تحریم ها قرار داشته و در یک فاجعهٔ اقتصادی غرق گردیده است، ۹۰ فیصد مردم را ناامنی غذایی تهدید می کند.

پس، تحریک طالبان در این مدت سی سال عین مسیر ایدیولوژیک را دنبال کرده اند؟

salamwatanam@gmail.com

چگونه می توان "شدت عمل" رژیم را مخصوصاً علیه زنان توضیح نمود؟
اشغال امریکا که قرار بود دموکراسی را در افغانستان پیاده نماید، چگونه به این وضعیت منجر شد؟
این ها همه سوالاتی است که Gilles Dorronsoro استاد علوم سیاسی و نویسندهٔ کتابِ بنام "حکومت فراملی افغانستان" و یک شکست پیش بینی شده، به آن می پردازد.

جنگی که از شروع شکست خورده بود

برای این محقق، یکی از اشتباهات بزرگ امریکا در همان سال های اول ۲۰۰۱ ـ ۲۰۰۲، رخ داد. بعد از سقوط رژیم طالبان واشنگتن می توانست تسلیم شدن سیاسی طالبان را با ارائهٔ یک عفو جزئی بدست بیاورد. اما برعکس، طالبان از نظام سیاسی جدید رانده شدند و به مخفیگاه ها پناه بردند. «امریکایی ها می توانستند با یک عفو ساده تسلیم شدن طالبان را بدست بیاورند، اما این فرصت فوق العاده از دست رفت».

این ستراتیژی امریکا با پشتیبانی بازیگران محلی که اغلب فاسد و در جنایات جنگی دست داشتند، همراه بود و از همان شروع یا منشأ بازسازی دولت افغانستان را به خطر انداخت.

کور بودن و نسنجیده بودن ممالک غربی در برابر حقایق افغانستان:

در طول دو دهه، فاصله بین سخنرانی ها و واقعیت ها در ساحه وسیع تر می گردید. در حالیکه طالبان از شروع و به تدریج ابتکار عمل را به دست گرفتند، تعدادی از نخبگان غربی هنوز هم اصرار داشتند که دیگر آن ها تهدیدی محسوب نمی شوند، که این یک دید مضحک و مسخره از افغانستان است. « ما کشوری را اختراع می کنیم که وجود ندارد.» و همچنین از اینکه افغانستان را از یک دید "شرق شناسی" که زیادتر بالای تهداب کلیشه یی یا قالبی استوار است بررسی می کنند به عوض درک واقعی از ساختارهای اجتماعی و سیاسی افغانستان.

طالبان ضعف های دشمنان خود را درک کردند:

قرار اظهارات این محقق، طالبان با سرعت اشتباهات ستراتیژیک امریکایی ها را درک و شناسایی نمودند، و مخصوصاً از یک تحلیل نظامی غلط امریکا، که بعضی ولایات جنوب را مرکز ثقل درگیری می پنداشتند، بهره برداری نمودند. در حالیکه قلب یا مرکز واقعی تحریک در پاکستان، در جائی که مرکز فرماندهی و شبکه های مذهبی خود را مستقر نموده بودند، قرار داشت.

زمانیکه نیرو های غربی تلاش شان را در جنوب متمرکز نموده بودند، طالبان حضور شان را در دیگر مناطق تقویت نمودند.

مسئلهٔ زنان در قلب یا مرکز پروژهٔ سیاسی:

برای توضیح محدودیت ها که بعد از بازگشت طالبان اعمال گردیده است، محقق چند عامل را برجسته می سازد: نفوذ محیط محافظه کار قندهار، تدریس و آموزش مذهبی و دینی کدرها یا مدیران و گردانندگان و کشمکش های داخلی برای بدست آوردن قدرت بعد از سال ۲۰۲۱ .

فلهذا سیاست های اتخاذ شده در برابر زنان تابع منطق تمرکز قدرت در اطراف یا ماحول رهبری این تحریک می باشد.

برای مؤثر واقع شدن باید طالبان را بهتر شناخت:

در پایان و یا در نتیجه، این محقق علوم سیاسی طرفدار برخورد روشن تر و واضح تر نسبت به رژیم افغانستان است، از دید محقق مذکور دفاع از حقوق زنان نباید محدود به بیانیه های اصولی باشد که کاملاً از واقعیت های ساحه جدا می باشند. « شناخت از طالبان، و مهمتر از همه قربانی نکردن واقعیت زنان افغان، برای گفت و گو هایی که نمایشی است .»

بنظر محقق مذکور، برای درک جامعهٔ افغانستان باید همانطوریکه هست، نه آنطوری که ما می خواهیم و آرزو داریم، که باشد، و این یک شرط اساسی برای عمل مؤثر باقی می ماند.

ختم گزارش